

ضرورت نیرومندی و اقتدار حکومت اسلامی

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾

(انفال / ۶۰)

دکتر محمد مهدی رکنی یزدی^۱

چکیده:

قرآن کتابی است که در بردارنده مسائل اساسی زندگانی مسلمانان بلکه بشریت است؛ از جمله در آن به مبانی دفاع و ضرورت نیرومندی حکومت اسلامی در برابر تجاوزات احتمالی دشمنان اشاره شده است. در این نوشتار، آیه ۶۰ سوره انفال (که به تجهیز دفاعی فرمان می دهد)، از دیدگاه علامه طباطبایی، مورد بررسی قرار گرفته است. مخاطب آیه در این امر مهم عموم مسلمین هستند که به هنگام ضرورت، بایسته است از هیچ کمکی در بالاترین توان نظامی به لشکریان اسلام، دریغ نوزند. **کلیدواژه‌ها:** آیه ۶۰ سوره انفال، اقتدار حکومت اسلامی، تفسیر المیزان

در پگاه آفرینش آن زمان که آفریدگار حکیم به فرشتگان خبر داد آدم خاکی را در زمین خلیفه خود می کند، آن موجودات آسمانی گفتند: آیا در زمین کسی را قرار می دهی که فساد کند و خون‌ها ریزد؟ حق تعالی پاسخ داد: من می دانم آنچه را شما نمی دانید.^۲ از این گفت و شنود آغازین سؤالی پیش می آید که فرشتگان چگونه توانستند چنین

۱. استاد دانشگاه فردوسی مشهد. Rokniyazdi.9@gmail.com

۲. بقره / ۳۰.

پیش‌بینی کنند؟ مفسران پاسخ‌هایی داده‌اند^۱ که بهترین آنها از صاحب تفسیر المیزان است به این بیان که: فرشتگان می‌دانستند حیات دنیوی با موجودات مادی، دار تزامم و برخورد منافع است. لازمه چنین زندگانی نزاع و کشمکش و بالأخره کشتار و خون‌ریزی است^۲، که نخستین نمونه‌اش کشته شدن هابیل به دست برادرش قابیل است.^۳ و شگفتا که از آن زمان تاکنون روزی نبوده که آدمیزاده‌ای به ممنوع خود ستم نکند یا به دست آدمیزاد دیگری به قتل نرسد، و پیش‌گویی فرشتگان راست نیاید.

حوادث سدهٔ اخیر از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ م) و دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۴۱ م) و چاره‌اندیشی‌های پس از آن تا زمان حاضر، عملاً ثابت کرد پیشرفت علوم و صنایع و اختراعات گوناگون (که بسیاری از آنها سلاح‌های کشتار جمعی و ممنوع است) و پایه‌گذار تمدن بشری و قدرت مستکبران شده، نه تنها تعدی و جنگ‌افروزی جهان‌خواران را از بین نبرده، بلکه برافزون‌طلبی و آدم‌کشی آنان افزوده، تا جایی که قتل و فساد خود را با وضع مقررات بین‌المللی و «سازمان ملل متحد» که «حق و تو» در آن دارند، حيله‌گرانه توجیه می‌کنند یا پیمان‌های بین‌المللی خود را به بهانه‌های دروغین نقض می‌نمایند. در نتیجه کشورهای مسلمان و استقلال‌طلب با دشواری‌های تازه‌ای روبه‌رو

۱. در تفسیر ابوالفتوح می‌خوانیم: «پیش از آدم عليه السلام در زمین جماعتی بودند ایشان را «جان» خواندند... ایشان در زمین فساد کردند، از اینجا گفتند، و این قول ربیع اُتس است.» (رک: حسین بن علی بن محمد الخزاعی النیشابوری، روض الجنان و روض الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش دکتر یاحقی و دکتر ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۹). طبرسی می‌افزاید: فرشتگان از قیاس اعمال «جان» بر قتل و فساد فرزندان آدم حکم کرده، آن سخن را گفتند. (رک: فضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۵ ش. ج ۱، ص ۱۷۷).

دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۸

۲. رک: طباطبایی محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۹، ص ۱۵۱.

۳. رک: مائده / ۳۰.

شده‌اند مانند کشور غصب شده فلسطین و تجاوزی که صهیونیست‌ها به همسایگان مسلمان خود می‌کنند، و فتنه‌گری‌هایی که دستگاه‌های جاسوسی آنان می‌نمایند، و هر چند گاه نائره جنگ و آدم‌کشی را در یکی از کشورهای خاورمیانه روشن می‌کنند، و به وسیله گروه‌های تروریستی مانند طالبان و القاعده و داعش، زشت‌ترین فجایع و جنایات جنگی را انجام می‌دهند و میلیون‌ها انسان بی‌دفاع را، در برابر دوربین‌های سازمان ملل و مجامع حقوق بشر به قتل می‌رسانند، که همه را در رسانه‌ها می‌بینیم و می‌شنویم، و بازگو کردنش جز افزودن غم و غصه بر دل هر آزاده، و آزردن خاطر خواننده ثمره‌ای ندارد.

در چنین دنیایی با چنان حوادث و حشیانه‌ای حکومت اسلامی برای حفظ حیات مستقل و عزتمند خود چه باید بکند و حکم کلام الله در این باره چیست؟

ما بر این باوریم که قرآن مجید در هر حادثه فردی یا رویداد اجتماعی به آنچه درست‌تر و بهتر است راهنمایی می‌کند، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾^۱ بنابراین به آن کتاب هدایت مراجعه می‌کنیم و حکم حکیمانه خدا را در سوره انفال آیه ۶۰ می‌یابیم که می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾؛ در برابر آنان، هر چه در توان دارید از نیرو و اسبان با ساز و برگ آماده سازید، تا با آن در دل دشمنان خدا و دشمنان خود و دیگرانی که نمی‌شناسیدشان و خدا می‌شناسدشان رُعب افکنید.

با در نظر گرفتن آیات قبل و بعد آیه مذکور، به شرح و تفسیر آن از ترجمه تفسیر المیزان می‌پردازیم:

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی آیات ۵۵ تا ۶۶ سوره انفال را دستورهایی «در باب جنگ و صلح و معاهدات جنگی و نقش آن» می‌شمرد، که صدر آیات قابل انطباق بر طوایف یهودی است که در مدینه و اطراف آن می‌زیسته‌اند، و با آنکه پیمان امان به آنها

۱. اسراء / ۹؛ بی‌گمان این قرآن (مردم را) به استوارترین آیین رهنمون می‌شود. (قرآن کریم: ترجمه غلامعلی حداد عادل، مشهد، به نشر و بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپخانه آستان قدس رضوی، ۱۳۹۰ ش. ترجمه آیات دیگر نیز از این چاپ است.

داده شد که بر دین خود بمانند، ولی مکر و اخلال کاری نکنند، اما چند بار پیمان خود را شکستند و نزد خدا از بدترین جنبنندگان شدند (آیات ۵۵ - ۵۶). سپس دستور نبرد و سخت گیری بر آنان داده شد تا بقیه از وحشت و ترس پراکنده شوند. در باب نقض عهدشان می فرماید:

اگر از خیانت و پیمان شکنی آنان بیمناک هستی پیمانشان را به سویشان به طور مساوی (و برابر کاری که آنها کرده اند) بیفکن که خداوند خیانت کاران را دوست ندارد (آیه ۵۸). و این مقابله به مثل است که عادلانه می باشد، و حکم کلی آن در سوره بقره آیه ۱۹۴ آمده: «هر که بر شما تعدی کند شما نیز (فقط) به همان اندازه که به شما تعدی کرده به او تعدی کنید، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.»

اما آیه مورد بحث (انفال / ۶۰) خطاب به عموم مسلمانان است - به ویژه حاکمان آنان - نه شخص پیامبر، و فرمان آماده باش با تهیه تجهیزات جنگی مناسب زمان و نیرومند شدن برای دفاع از کیان خود می باشد؛ زیرا خطر دشمن متجاوز متوجه عموم مردم و کشورشان می باشد، که به سبب زندگی اجتماعی انسان ها و برخورد منافع افراد پیش می آید و به آن اشاره شد.

توضیح لغات مهم: کلمه اعداد به معنی تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی رسید، مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش....

قوة در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است، از قبیل انواع اسلحه و مردان جنگی با تجربه و تشکیلات نظامی.

واضح است فراهم آوردن «قوه» در زمان ما به وسیله علم و صنایع مخصوص نظامی است متناسب با پیشرفت سلاح های دشمن (بجز اسلحه مخربی مانند بمب اتمی که وسیله کشتار جمعی است و در فقه اسلام تحریم شده) و بلکه آمادگی و اعداد علمی و فرهنگی به طور کلی است.

رباط مبالغه در «ربط» (گره) است، اما از آن رساتر می باشد. ابوالفتح توضیح بهتری می دهد: «رباط» نام آن رسن باشد که اسب را بدو بندند و نام آن جای (که اسب را

بندند).

ارهاب معنایش نزدیک به تخویف (ترساندن) می‌باشد.^۱

قسمت اخیر آیه: «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» در مقام تعلیل جمله (وَأَعِدُّوا لَهُمْ) می‌باشد، و معنایش این است که این قوا و نیروهای دفاعی را تدارک ببینید تا از دشمنان زهر چشم بگیرید. و اینکه فرمود (وآخرین من دونهم) دلالت دارد بر اینکه منظور از «آخرین = دیگران» (که در مقابل اولین است) آن افرادی هستند که مؤمنان از دشمنی آنان بی‌خبراند، یعنی منافقان و کفاری که مسلمانان هنوز گرفتار آنها نشده‌اند، و منظور از اولین، کسانی هستند که مسلمانان آنان را به دشمنی خدا و خودشان می‌شناسند.^۲

«کوتاه سخن اینکه تجهیز قوا برای دفاع از حقوق مجتمع اسلامی و منافع حیاتی آن است، و تظاهر به آن تجهیزات، دشمن را اندیشناک می‌کند، که خود تا اندازه‌ای و به نوعی یک نحوه دفاع است... و اینکه در پایان آیه فرمود: ﴿وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾ این معنا را می‌رساند که آنچه در راه خدا انفاق کرده‌اند فوت نمی‌شود، بلکه دوباره عایدشان می‌شود، بدون اینکه حق کسی از بین برود.»^۳

خوشبختانه به تبعیت حکم الهی در جمهوری اسلامی ایران این تجهیز قوای نظامی با دستور فرمانده کل قوا آیت‌الله خامنه‌ای مدظله انجام گرفته و تأثیر خود را هم کرده است.

اینک به آیه ۶۱ می‌پردازیم که می‌فرماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ و اگر سر صلح داشتند توهم از در صلح در آی و بر خدا توکل کن که او شنوایی داناست.

چنان که ملاحظه می‌شود حق تعالی در آن آیه دستور گرایش و میل (جُنُوح) به «سلم» یعنی صلح و سازش با کافران را بعد از تمایل آنان صادر می‌کند، و چون ممکن است بیم

۱. خلاصه از: ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۵۱.

۲. همان، گزیده از ص ۱۵۲-۱۵۳.

۳. همان، گزیده از ص ۱۵۲-۱۵۳.

از پیمان شکنی و بد عهدی آنان پیش آید، و یا پس پرده ظاهر اغراض سوئی باشد، امر به توکل می نماید، و اینکه پروردگار متعال شنوا و داناست، و از مقصد و مقصودها آگاه است. بنابراین با اتکاء به خدای توانا و توکل باید آرامش خود را حفظ کرد و به امدادهای غیبی امیدوار بود. آیه بعد نیز تأکید بر همین معناست: «و اگر بخواهند با تو خدعه کنند خدا تورا بس است؛ همو که تورا با یاری خود و مؤمنان مدد فرمود.»^۱

مؤلف علامه و خوش سلیقه المیزان به مناسبت آیه ۶۱ در معنای توکل توضیحی می دهد که نقل کردنی است:

معنای توکل این نیست که انسان به اعتماد به خدای تعالی اسباب ظاهر را هیچ کاره و لغو بداند، بلکه معنایش این است که اعتماد قطعی به اسباب نداشته باشد، و بداند آنچه از اسباب ظاهری سبب بودنش برای انسان هویدا می گردد نمونه ای بیش نیست، و چه بسا اسباب دیگری است که ما از آن آگاهی نداریم، و سبب تام و تمام که هرگز از مسببش تخلف نمی پذیرد و حامل اراده خدای سبحان است آن تمامی و مجموع همه این سبب هاست. پس توکل عبارت است از اینکه انسان وثوق و اعتماد خود را متوجه خدای سبحان کند که همه اسباب عالم بر محور مشیت او دور می زند، و این منافات ندارد با اینکه متوکل به اسبابی که سببیت آنها برایش ظاهر گشته تمسک بجوید تا در نتیجه دچار جهالت شود.^۲ چنان که پیشوایان معصوم ما و اولیای خدا نیز همواره از اسباب ظاهری برای اداره امور جامعه و جنگ و صلح و هرکاری استفاده می کردند.

اکنون که به پایان سخن رسیدیم، با تأملی در آیات نقل شده و تفسیرش نکات ذیل به ذهن می رسد:

۱. جنگ های مخرب و هولناکی که در همین چند ماه اخیر در خاورمیانه رخ داده و در تاریخ بی سابقه نیست، نشان می دهد که اقتدار و نیرومندی حکومت اسلامی به هر

۱. انفال / ۶۲: ﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾.

۲. گزیده از: ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۵۵.

صورت که ممکن شود ضروری و واجب است، و آیه شریفه ۶۰ سوره انفال آن را - که حکم عقل نیز هست - به ملت‌ها و حاکمان مسلمان تعلیم می‌دهد، تا برای امنیت و بقای خود مراعات کنند و بتوانند در برابر کشورهای متجاوز و مستکبر، سربلند و عزتمند بمانند.

۲. سلم و صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز حکومت اسلامی با کشورهای دیگر غیرمسلمان، ضمن حفظ عزت و ارجمندی ملت مسلمان، حکمی قرآنی و اصیل است که سیره رسول الله ﷺ نیز آن را نشان می‌دهد.^۱

۳. حکم کلی در برخورد با کافران پیمان شکن یا اخلاک‌گر، مقابله به مثل است و آیه ۵۸ انفال آن را می‌فهماند.

۴. از ثمرات اقتدار نظامی - که مورد بحث است - اِرهاب و ترساندن دشمن است، تا به هوس حمله به کشور اسلامی نیفتد و بلکه خواه ناخواه از در آشتی درآید، چنان که در رویداد سیاسی اخیر کشورمان دیدیم، که مستکبران جهان (۵+۱) سرانجام با برخورداری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای موافقت کردند (برجام)، و این حقیقت بیش از پیش روشن شد که قرآن منشوری است الهی، زنده و پاینده، جهانی و جاودانی که در هر زمان به تعلیماتش (قدرتمندی، جهاد و جهد همگانی، اخلاص و اتحاد و توکل...) عمل شود،

۱. تاریخ اسلام به ویژه سیره رسول اکرم ﷺ صلح و سازش با مخالفان را نشان می‌دهد، همان گونه که آیات قرآن نیز به آن ناطق است و جمله ﴿الْصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (نساء / ۱۲۸) حکمی عام است. در این باره نیز رک: انفال / ۱؛ حجرات / ۹ و ۱۰.

شایان ذکر است که احکام اخلاقی اسلام - که امروز برای ما با کشتارهای جمعی که می‌بینیم باورش دشوار است - در کتب فقهی آمده، از جمله رک: حلی، العلامة حسن بن یوسف (م. ۷۲۶)، **مُنْتَهی الْمَطْلَب فی تحقیق المذهب**، تحقیق قسم الفقه فی مجمع البحوث الاسلامیة، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۴، ص ۱۱ به بعد. از آن گونه تعلیمات است: دعوت به اسلام پیش از حمله به کفار، نهی از شیخون، نهی از کشتن پیری که در شرف موت است، و کشتن چارپایان، آمادگی برای امان نامه نوشتن و ترک جنگ. رک: رکنی یزدی، «مُجستاری درباره جهاد در اسلام» یادگار عمر، **مجموعه مقالات**، ص ۳۱۸ - ۳۲۲، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۲ ش.

نتیجه مطلوب به دست می‌آید.

در این باب مناسب است نقل حدیثی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که از پدر خود نقل می‌فرمایند که: مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «چرا چنان است که قرآن هر چه بیشتر پخش شود و مورد بحث [و تدریس] قرار گیرد تازه‌تر و شاداب‌تر می‌شود؟ امام در پاسخ گفت: خدای متعال آن را مخصوص زمانی خاص غیر از زمان‌های دیگر، و مردمانی جز مردمان دیگر قرار نداده است؛ به همین جهت است که در هر زمان نو و جدید و در نزد هر قوم تازه است تا روز قیامت.^۱

همچنین درباره جاودانگی قرآن از امام جعفر صادق علیه السلام این حدیث روایت شده: «قرآن را تأویلی است که همچون گردش شب و روز و سیر خورشید و ماه جریان دارد. و چون تأویل چیزی از آن بیاید واقع می‌شود. بعضی از آن تأویل‌ها آمده است و بعضی هنوز نیامده است.»^۲

۱. در این باره رک: محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، ترجمه الحیاء، دفتر نشر فرهنگ

اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش، ج ۲، ص ۲۱۸ - ۲۱۹.

۲. همان جا.